

خبرها

کنسرت لطفی و کلهر در شیراز

مهر:
محمدرضا لطفی و کیهان کلهر اردیبهشت‌ماه امسال در شیراز کنسرت برگزار می کنند.
مجمع موسیقی دانشجویان سراسر کشور اقدام به برگزاری کارگاه‌های موسیقی با حضور استادان برجسته موسیقی ایرانی کرده است. این کارگاه‌ها در شهریروماه از سوی کانون موسیقی دانشگاه شیراز که پنج سال پیاپی به عنوان بهترین کانون موسیقی دانشگاه‌ها انتخاب شده است، برپا می شود که هشتمین کارگاه کانون‌های موسیقی دانشجویان سراسر کشور است. در این کارگاه استادان موسیقی ایرانی به تدریس در مستر کلاس‌های ساز و ردیف موسیقی ایرانی می‌پردازند.
محمدرضا لطفی برای ساز تار، مجید درخشانی برای ردیف تار، محمدعلی کیانی نژاد برای ساز نی، اردشیر کامکار برای ساز کمانچه و مرضی اعیان برای ساز تنبک در جمع دانشجویان کانون‌های موسیقی حضور می‌یابند.
همچنین به گفته غلام‌نژاد دبیر موسیقی کانون موسیقی در روز ششم اردیبهشت‌ماه امسال محمدرضا لطفی نوازنده تار ایرانی و کیهان کلهر نوازنده کمانچه در اختتامیه نشست تشکیلاتی پژوهشی و آموزشی مجمع موسیقی دانشجویان سراسر کشور به اجرای قطعاتی از موسیقی ایرانی می‌پردازند.

محمدرضا لطفی و کیهان کلهر

سازشناسی ایرانی محمدرضا درویشی و ارفع اطرابی

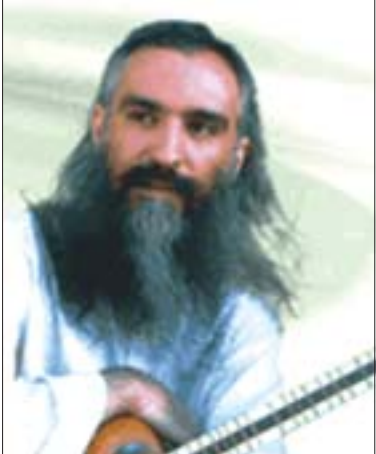
مهر:
کتاب «سازشناسی ایرانی» یا هم‌کاری «محمدرضا درویشی» و «ارفع اطرابی» تا اواخر ماه آینده از سوی انتشارات «ماهور» عرضه می شود. این اثر نوشتاری تا مقطع دیپلم کاربرد دارد و به سفارش شورای کتاب آموزش و پرورش تهیه شده است.
کتاب «سازشناسی» در دو بخش سازهای ملی و سازهای بومی نوشته شده است که بخش سازهای ملی آن که شامل تمام سازهای ملی چون تار، سه‌تار، کمانچه، سنتور و … می‌شود را اطرابی و بخش سازهای بومی و محلی آن که شامل سازهایی چون دوتار، تنبور و … می‌شود را درویشی نوشته است.
همچنین اطرابی کتاب دیگری با عنوان «همنوازی سازها» در دست تهیه دارد که محصول ۳۰ سال تجربه و دانش اندوزی این ردیف‌دان موسیقی ایرانی است. این مدرس هنرستان علت نوشتن این کتاب را سخت بودن روش‌های همنوازی موجود که توسط حسین دهلوی و فرامرز پایور که برای مقطع بالا نوشته شده است دانست.

کنسرت گروه «راز و نیاز» در ترکیه

ایلنا:
گروه موسیقی «راز و نیاز» به سرپرستی «شهرام آقایی‌پور» و خوانندگی «حسین علیشاپور» روزهای ۱۰ تا ۱۳ فروردین ماه در شهرهای استانبول و آنکارا در ترکیه به اجرای کنسرت پرداخت.
در این اجراها، گروه «راز و نیاز» قطعاتی را در دستگاه شور و آواز دشتی اجرا کرد.
مدک‌زور همچنین در بخش فارسی رادیو دولتی ترکیه (TRT) و تلویزیون CANAL A این کشور به اجرای قطعاتی پرداخت.
گروه «راز و نیاز» طی مدت اقامت خود در آنکارا، در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران، نمایشگاه فرهنگی ایران در ترکیه و سالن مرکزی هنر این شهر کنسرت‌هایی را برگزار کرد.
این گروه همچنین در سالن مرکزی مترو در شهر استانبول آخرین برنامه هنری خود را اجرا کرد.
گروه «راز و نیاز» را هنرمندانی چون «شهرام آقایی‌پور» سرپرست و نوازنده سنتور، «احسان عبایی» نوازنده تار، «زمان خیری» نوازنده نی، «باقر زینالی» نوازنده عود، «علی علیشاپور» نوازنده کمانچه، «محمدرضا شراپلی» نوازنده تنبک و «حسین علیشاپور» خواننده تشکیل می‌دهند.
این گروه در کنسرت‌های ترکیه، تصنیفات «آدم» ساخته زنده‌یاد «مجید وفادار»، تصنیف «نغمه نوروزی» ساخته زنده‌یاد «روح‌الله خالقی»، تصنیف قدیمی «دل تنگ من» و رنگ ابوعطا اثر استاد «حسن کسای» را اجرا کرد.

گروه موسیقی راز و نیاز

آلبوم ده‌ساله آزاد روانه بازار می‌شود



میراث خیر : آلبوم موسیقی ایرانی به آهنگسازی داوود آزاد که ده سال برای انتخاب خواننده در انتظار مانده است، با صدای آلمان به بازار می آید.
داوود آزاد به زودی خوانندگی آلبوم «تو» را آغاز می کند.
این آلبوم موسیقی کاملاً سنتی است و در دستگاه‌های ابوعطا و دشتی اجرا شده است.
آزاد درباره این آلبوم به میراث خیر گفت : «در این سال‌ها به دنبال پیدا کردن خواننده مناسبی بودم که بتواند چیزی را که می گویم ارائه کند و بخواند. اما کسی را پیدا نکردم و سرانجام تصمیم گرفتم خودم اشعار را بخوانم.»
اشعار این آلبوم از مولانا، حافظ و امیر جاهد است.
موسیقی این آلبوم برخلاف آثار جدید آثار سنتی است.
کیهان کلهر هم در بخشی از آن کمانچه نواخته است.
همچنین آزاد تصمیم دارد که کنسرتی در تهران و سندج اجرا کند.
این کنسرت به تکیه تلفیقی ارائه می شود.
آزاد به تازگی دو کنسرت در اسکاتلند و اتریش برگزار کرده است.

نوزدهم فروردین ماه امسال با یکمین

سال درگذشت شاعر و ترانه‌سرای شهیر معاصر زنده‌یاد اسماعیل نواب‌صفا مصادف است. این مقاله بهانه‌ای برای گرامی‌یاد وی و نیز آشنایی بیشتر خوانندگان گرامی با شخصیت و آثار این ادیب فرهیخته است.

نواب‌صفا به تاریخ بیست و نهم اسفندماه ۱۳۰۳ ش در کرمانشاه دیده به جهان گشود. خاندان پدری وی از نواب‌های اصفهان بود و به طور کلی به خانواده منسوب و نزدیک به صفویه «نواب» گفته‌اند.

معمت‌الدوله نشاط اصفهانی شاعر و دانشمند مشهور عصر قاجار دایی پدرش بود. پدر اسماعیل مردی عارف‌مسلك بود که از طرف ظهیرالدوله به لقب طریقت نوابعلی مفتخر شد. مادر او نیز بانویی فرهیخته و موسس نخستین مدرسه ملی در کرمانشاه با نام «بصیرت» بود.

در چنین فضای خانوادگی نخستین بارقهٔ عشق و دل‌بستگی به شعر و ادبیات ایران در کودکی در او به وجود آمد. در سال ۱۳۲۴ ش به ساختن تصنیف علاقه‌مند شد و نخستین تصنیف را بر روی یک ملودی کردی با نام وعده گلرخان با مطلع «موسم گل شد و وقت گل چیدن» ساخت. آفرینش این تصنیف و خلق چندترانه دیگر آغازی برای فعالیتش در رادیو بود. در سال ۱۳۲۵ش به عضویت بزرگ‌ترین گنگره شاعران و نویسندگان به عنوان جوان‌ترین عضو این گنگره به ریاست شادروان ملک‌الشعاری بهار انتخاب شد.

یک سال بعد از طرف حسینقلی مستعان نویسنده و مترجم مشهور به عنوان عضو شورای نویسندگان، قراردادی با رادیو امضا کرد. در همان سال‌ها با استادان موسیقی چون موسی‌خان معروفی، حسین یاقعی، ابراهیم منصوری و جواد بدیع‌زاده آشنایی پیدا کرد. در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ به خرمشهر رفت و از سال ۱۳۳۳ با بازگشت به تهران فعالیت هنری و اجتماعی خود را از سر گرفت. با تغییر اداره کل انتشارات و تبلیغات به وزارتخانه به سرپرستی نصرت‌الله معینیان چنین خواسته شد تا برنامه‌های رادیو تهران و تصنیب و تصویب ترانه‌ها زیرنظر نواب صفا باشد. وی پیش از آن و در آن سال‌ها ضمن داشتن چنین مسئولیتی ترانه‌ها و تصنیف‌های ماندگاری چون تک‌درخت، موج، آمد نوبهار، نیلوفر، رفتی و بازآمدی، چه شب‌ها، رقت و بار سفر بستم و ده‌ها تصنیف و ترانه زیبا و جادویی دیگر آفرید که حاصل کشش روحی و حالات درونی این شاعر بود. برخی ویژگی‌های تصنیفات و ترانه‌های نواب صفا را می‌توان به اختصار چنین برشمرد:
الف- نزدیکی به زبان و اصطلاحات مردمی و پرهیز از واژگان سست و دور از تناسب ب- صور خیال و ترکیب‌های نو و بدیع مثل پابند جنون (ما را ز چه پابند جنون کردی و رفتی)، موج دربره در (موج من دربه‌درم، از دنیای خیرم)، آتشین صeba،

ارکستر شروع به نجوای می کند. اما ثانیه‌ای بیشتر طول نمی‌کشد که ویولن وارد صحنه می‌شود، نغمه‌ای چنان گرم، غنی و تاثیرگذار طنین افکن می‌شود که در اعماق قلب و روح شنونده نفوذ می‌کند. چنان می‌ماند که ویولنیست روایتگر داستانی است پرشور. داستانی که در آن رنج، حسامه و عشق دردم می‌آمیزند. ارکستر پاسخ غزلسرای ویولن را با لحنی حماسی می‌دهد. اما ویولن بی‌پروا به پیش می‌تازد. . . پس از مدتی آرامش برقرار می‌شود. فلوت و کلارینت ملودی تسلی‌بخشی را می‌نوازند که به آرامش علفزاری بر فراز کوه‌های بلند می‌ماند. ویولن در پاسخ به این دو اندکی آرام می‌گیرد، اما طولی نمی‌کشد که باز اوج می‌گیرد و بی‌قرار، ملودی آغازین را طلب می‌کند. این بار ویولن و ارکستر در تلفیقی از مشارکت و تقابل به بسط و گسترش ملودی‌های ارائه‌شده می‌پردازند. ویولن همچنان در طلب نمایش جوهره بی‌قرار خود است. تا این که بالا‌خو به نوبت به او می‌رسد. شروع می‌کند، جلاک و سبک‌دست جلو می‌رود، اوج می‌گیرد و به شیدایی می‌رسد؛ تا این که آهچ به آهچ ملودی می‌گذرد همچنان در عالم خلسه می‌رقصد تا این که در نهایت در میان غوغای ارکستر محو می‌شود. . . پس از مدتی ویولن خود را باز می‌یابد و باز به پرسش و پاسخ بی‌انتهای خود با ارکستر ادامه می‌دهد. این تبار ویولن پراترزی‌تر از قبل می‌درخشد و در نهایت پایانی باشکوه رقم می‌خورد. با خاموشی ارکستر صدای معتد باس‌ون ما را به آرامش و سکون مومنان دوم راهنمایی می‌کند. . .

گروه موسیقی راز و نیاز

کنسرتو ویولن همیشه‌محبوب مندلسون، از آغاز پدید آمدن با نِبوغ کودکان در آمیخته بوده است. زنجیره‌ای از کودکان با نِبوغ موسیقایی کم‌نظیر حلقه‌های سازنده این اثر جادوانه را تشکیل می‌دهند.

نخستین حلقه این اثر آهنگساز آن است که در ۹ سالگی اولین کنسرت پیانوی خود را برگزار کرد و شروع به آهنگسازی کرد. فلیکس مندلسون بازنوآلدی در ۳ نوامبر ۱۸۰۹ هانمبورگ آلمان به دنیا آمد. پدرش یک صراف متمول بود. مادرش به چندین زبان مسلط بود، هومر را به زبان اصلی می‌خواند و پیانو می‌نواخت. پس از اشغال هانمبورگ توسط فرانسوی‌ها، خانواده مندلسون به برلین نقل مکان کردند. آنها در خانه‌ای زیبا زندگی می‌کردند با باغی بزرگ که در آن جویناری جاری بود که اطرافش را صفی از درختان سر‌به‌فلک کشیده مشجر کرده بود. تمام چهره‌های سرشناس موسیقی که از برلین عبور می‌کردند حتماً از آن منزل دیدن می‌کردند.

والدینش تحصیلات موسیقایی گسترده‌ای برایش ترتیب دیدند، نه برای پرورش یک هنرمند حرفه‌ای بلکه برای تربیت یک فرزند بافرهنگ شایسته یک خانواده متمول. فلیکس در سن ۱۲ سالگی ده‌ها سونات، آواز، کانتات و . . . ساخته بود. بعدازظهر یکشنبه‌ها در خانه مندلسون‌ها او به همراه خواهرانش فانی و ربکا و برادرش پاول کنسرت برگزار می‌کردند.



درباره مرحوم اسماعیل نواب صفا

بار سفر بستم

علی عدلی

عبد‌العلی وزیری، داریوش ریغیعی و محمودی خوانساری خوانندگان مرد برخی از آثار نواب صفا بوده‌اند.
سابقهٔ دوستی نواب‌صفا با شاعران و ترانه‌سرایانی چون ره‌ی معیری، پژمان‌بختیار، کریم فکور، ابوالحسن ورزی، پرویز خطیبی، تورج نگهبان، بهادر بگانه، معینی کرمانشاهی، بیژن ترقی، عبدالله الفت و . . . قابل توجه است.

نواب صفا در سال‌های فعالیت در رادیو متکبر برنامه‌هایی چون هنر زندگی، در گوشه و کنار شهر، در پیشگاه تاریخ و برخی برنامه‌های دیگر بود. در سال ۱۳۴۰ برنامه‌ای با نام قصه ضرب‌المثل‌ها و خلق کنایات و ترکیاتی که خود مثل سایر شده است مثلی «شب سیر آب‌پاره، ندیده کس زندگی دوباره» یا «آمد نوبهار، طی شد هجر یار» و– سوگ سروده‌ها که یکی از آنها برنامه گل‌های رنگارنگ ۱۷۴ جهت تجلیل از مقام شامخ استاد فقید موسیقی ایران ابوالحسن صبا بود با مطلع «بگریم، بگریم خون که ناگه صبا رفت».

از میان آهنگسازان برجسته موسیقی معاصر به ایشان بر آهنگ‌هایشان تصنیف ساخته می‌توان به «مهدی خالدي»، مرضی‌خان محجوبی، روح‌الله خالقی، حسین و پرویز یاحقی، مجید وفادار، علی تجریدی، حبیب‌الله بدیعی، انوشیروان روحانی، جواد لشگری، عباس شاپوری، اسدالله ملک و همایون خرم» اشاره کرد. شادروان بنان، قوامی،

نواب صفا در کودکی

نگاهی به زندگی فلیکس مندلسون

نغمه‌های بی‌پروا

نواب صفا

امید دادگری

نیز ادامه دارد. مندلسون ۱۵ساله بود که با دومین حلقهٔ زنجیره کودکان نایغه کنسرتو ویولن می‌مینور آشنا شد. ویولنیست ۱۵ساله فریدیناند Ferdinand David، که بارها به عنوان سولویست در گواندهاوس Gewandhaus لایپزیک کنسرت داده بود. این دو به عنوان دوستانی صمیمی سرخت به دوستی تبدیل شدند و رابطه‌شان را در طول فعالیت حرفه‌ای‌شان از طریق نامه‌نگاری دنبال می‌کردند. در ۱۸۳۶ مندلسون ۲۵ساله به عنوان مدیر و رهبر ارکستر گواندهاوس لایپزیک منصوب شد و بلافاصله درخواست کرد که دیوید به عنوان سرپرست نوازندگان ویولن اول ارکستر انتخاب شود. طولی نکشد که مندلسون به فکر ساخت کنسرتویی افتاد تا در آن استعداد سرشار دوستش را به نمایش گذارد. در ۱۸۳۸ وی در نامه‌ای می‌گوید که تالیته قطعه را انتخاب کرده و درباره ملودی آغازین قطعه نیز فکر کرده است. حتی گله می‌کند که این ملودی آرامش را از او ربوده است و به هیچ روی نمی‌تواند آن را از ذهنش بیرون کند؛ از جهاتی حق هم با او بود. مندلسون به مانند موتسارت استعداد شگفت‌انگیزی در ساخت و پرورش ملودی داشت و ملودی آغازین کنسرتو ویولن می‌مینور نیز بی‌اندازه زیبا و به یادماندنی است. ۶سال طول کشید تا مندلسون کنسرتو ویولن می‌مینور را به پایان برد. در بهار ۱۸۴۵ اولین اجرای آن با موفقیت فراوان روبه‌رو شد و در پاییز همان سال مجدداً اجرا شد. یک ماه پس از آن، قرار بود کارلا شومان کنسرتو پیانویی همسرش روبرت شومان را در درسدن اجرا کند، اما کارلا بیمار شد و نتوانست به روی صحنه برود. فردیناند هبلر رهبر ارکستر سمفونیک درسدن کنسرتو ویولن مندلسون را جایگزین کرد. اما این بار فردیناند دیوید که به دلیل تعهد قبلی نمی‌توانست در اجرای کنسرت شرکت کند، یکی از شاگردانش را به جای خودش معرفی کرد. اینجاست که سومین کوک نایغه با هم گذارد: یوزف یواخیم ۱۴ساله اثر را استادانه اجرا کرد و بدین ترتیب پای در راهی گذاشت که او را در نهایت تبدیل به پادشاه بلامنازع ویولنیست‌های قرن ۱۹ کرد.

پس از یواخیم، این اثر بارها و بارها برای معرفی استاد‌های جوان ویولن اجرا شده است؛ نه از آن جهت نامشکوف موسیقی باخ را به جنبشی بدل کرد که تا به امروز در چنین فضای خانوادگی نخستین بارقهٔ عشق و دل‌بستگی به شعر و ادبیات ایران در کودکی در او به وجود آمد. در سال ۱۳۲۴ ش به ساختن تصنیف علاقه‌مند شد و نخستین تصنیف را بر روی یک ملودی کردی با نام وعده گلرخان با مطلع «موسم گل شد و وقت گل چیدن» ساخت. آفرینش این تصنیف و خلق چندترانه دیگر آغازی برای فعالیتش در رادیو بود. در سال ۱۳۲۵ش به عضویت بزرگ‌ترین گنگره شاعران و نویسندگان به عنوان جوان‌ترین عضو این گنگره به ریاست شادروان ملک‌الشعاری بهار انتخاب شد.

و تک‌درخت حاوی یکصد و ده ترانه با فهرست و اطلاعات کامل بر ترانه از آثار نواب صفا و به همت نگارنده این مجیزه به زیر طبع آراسته شد.

نواب صفا در کنار مسئولیت هنری و رادیویی خود به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نیز علاقه‌مند بود.

در دهه‌های سی و چهل در کنار شاعران و طنزپردازانی چون پرویز خطیبی، ابوالقاسم‌حالت، کریم فکور، رهی معیری، ابراهیم صهبا به طنزهای اجتماعی و انتقادی با نام مستعار «مرشد صفا» روی آورد و قلم زد. در سال‌های ۵۷–۴۷ به مشاغل دولتی چون عضویت شورای نویسندگان، ریاست اداره کل اطلاعات و رادیوی استان‌های سیستان و بلوچستان و گیلان، مدیریت کل روابط عمومی شهرداری تهران، مدیریت کل اداره اطلاعات و جهانگردی استان اصفهان و در پایان به نمایندگی مردم اصفهان در مجلس شورای ملی دوره بیست و چهارم برگزیده شد و در این انتصاب‌ها از اصل عدالت و انصاف و جاده حقیقت و راستی خارج نشد.

امروز در میان رفگان و ماندگان نام «اسماعیل نواب‌صفا» در آسمان فرهنگ و ادب فارسی درخشان است و سال‌هاست نغمه‌های دل‌انگیز خوانندگان ترانه‌های او در آسمان کشور عزیزمان گل افشانی می‌کند و عطر کلام سحرانگیزش روح و جانمان را به عشق و معرفت مندم می‌دهد.

«رقه‌های عمر گذشته را چون کبوتر بهشتی به ارمغان طبیعت پیشکش می‌کند. صبح خندان را با نغمه پرستوی خود در گلشن هستی دل‌ربا می‌کند. نغم شغ را در دنیای اشک، مهرآفرین می‌سازد و نیلوفر گواه عشق و جانه‌ها و شادکامی‌هایی است که در سایه تک‌درخت باغبان خوشه روزگار، مشت بی‌پایانی را رقم می‌زند. ساقی را می‌طلبد تا ساغر عمر رفته را با یاران عزیزش نوش‌جان کند. افسوس که باراش بی‌خبر با سفر بسند و ناله دل‌شمار ما به آسمان کشانند. بنان، قوامی، خالدي، صبا، عبادی، محجوبی و . . . گواه عشق او بودند. پرمود گوشه‌نشین در فرجام عمر، هستی سوز گشت و دست خدایچه که تنم بر زانوان می‌زد، اما مستی عاشقانه او همیشگی است و ناله شگبیرش نشانی از گرمی عشق اوست. تمام این آشفنگی‌ها بهانه‌ای برای زلف‌باری بود تا با آمدن نوبهاری دیگر هجر باراش طی شود و به معشوق حقیقی‌اش واصل شود.» یاد و روانش گرامی باد.

پی‌نوشت:

۱- برای مطالعه و آشنایی بیشتر خوانندگان گرامی با دیگر عناوین مجموعه نواب صفا رجوع شود به کتاب «از یاد رفته / تک‌درخت» ترجمه‌های نواب صفا و ترانه‌ها به کوشش علی عدلی، نشر پیکان، تهران، ۱۳۸۰.

که اثری است ساده، به عکس ظرایف هنرمندانه و به غایت دشوار آن (آرپژها، تریل‌ها، آکورد‌های مضاعف و . . .) فرصت خوبی را برای یک ستاره جوان جهت نمایش تکنیکش فراهم می‌آورد و سبک تغزلی قطعه به سرعت استعداد نوازنده را در تفسیر صحیح موسیقی آشکار می‌سازد.

موسیقی مندلسون با کیفیتای چون قوازه، طراقت، سرزندگی و پاکیزگی مورد پسند بسیاری از دوستداران موسیقی است. بر خلاف موسیقی عصر رمانتیک، موسیقی مندلسون بسیار آرامش‌بخش، شفاف و باطراوت است. زیرا تقریباً در همه حال دیاتونیک، فاقد دیسونانس (فواصل نامطابق) و سرشار از ملودی‌های ساده است. می‌توان از میان موسیقی او به چهره شادتر و مهربان‌تری از تجربه انسانی دست یافت و بازناب زیبایی‌های طبیعت در موسیقی او به وضوح دیده می‌شود (از این نظر موسیقی مندلسون را می‌توان نقطه مقابل موسیقی گوستاو مالر دانست).

شاید هیچ آهنگسازی به مانند مندلسون در زمان خود مورد تشویق قرار نگرفت. او را در زمان خود یکی از چهره‌های جادوان تاریخ موسیقی، هم‌پایه باخ، موتسارت و بتهوون می‌انگاشتند. ولی با این حال امروز موسیقی او در محاق فراموشی افتاده است. علت این دوگانگی تاریخی را می‌توان در وهله نخست ناشی از پیشرفت‌های سریع و سرسام‌آور موسیقی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم دانست که مندلسون محافظه‌کار را از قافله

آهنگسازان انقلابی جدا کرد؛ آهنگسازانی که در جست‌وجوی «موسیقی آینده» مرزاها و قواعد کلاسیسیسم و رومانتیسیسم را درنوردیدند. دلیل دیگر را می‌توان ظهور ابرمردی چون ریشارد واگنر در عرصه موسیقی آلمان دانست که با موسیقی برطلمطراق و توفانی خود و تحت‌تاثیر افکار فیلسوفانی چون شوپنهاور و نیچه، فرهنگ موسیقایی آلمان را به کلی دگرگون ساخت و شخصیت دیگری از مردم آلمان را برای جهانیان به تصویر کشید. به این ترتیب موسیقی ظریف، پاکیزه و احساسی مندلسون در میان هیاهوی خشن اسطوره‌ها، شیویرها و دیسونانس‌های واگنر گم شد. . . . فلیکس مندلسون شدیداً با خواهر خود فانی وابسته بود. فانی مندلسون که خود در آن زمان به عنوان کلاسیسیسم نوازنده‌ای معتبر شناخته می‌شد، تاثیر زیادی روی برادر کوچک‌ترش فلیکس به جا گذاشت تا جایی که مرگ او فلیکس را به شدت به‌خشی از بدنش شد و همچنین او را به بیماری انسردگی شدید مبتلا کرد. او تابستان را به ویلاهای سوئیس پناه برد و در آنجا به نقاشی از مناظر بی‌بدیل آلپ پرداخت. هنگامی که به خانه بازگشت، دوستانش از مشاهده چهره شکسته او شگفت‌زده شدند. او در این مدت چندین سال پیر شده بود. اما جدایی این دو خواهر و برادر ۶ ماه بیشتر به طول نینجامید. فلیکس مندلسون ۳۸ساله در ۴ نوامبر ۱۸۴۷ در لایپزیک درگذشت. تمام اروپا به زاری نشست. بورس‌های تحصیلی فراوانی به اعتبار او برقرار شد. مجسمه‌های بسیاری از او بالا رفت. . . . اما نواي گرم و سحرانگیز ویولن همچنان به گوش می‌رسد. نغمه پرشور و ناب عشق . . .

سال سوم ■ شماره ۷۳۰ *شرق*

ريتم

نگاهی به کارنامه موسیقی ایران در سال ۱۳۸۴

موسیقی نیز به مانند تمامی رخداد‌های دیگر سال ۸۴ تحت تأثیر انتخابات ریاست‌جمهوری دوره نهم قرار داشت. تقارن ایام محرم با ماه‌های ابتدایی سال و تعطیلی ناخواسته این روزها برای موسیقی، سبب شد تا شروع برنامه‌های موسیقی با روزهای اوج تبلیغات انتخاباتی کاندیداها همزمان شود. اوج این تقابل زمانی حس شد که مطابق برنامه قبلی قرار بود گروه آریان (یکی از شاخص‌ترین گروه‌های موسیقی پاپ در ایران) در استادیوم ورزشی انقلاب کنسرتی برگزار کند. این کنسرت ابتدا به دلیل وضعیت بد آب و هوایی و بارش بزرگ در میانه نخستین شب اجرای گروه تعطیل و با توقف ناخواسته چندروزه (به دلیل آسیب‌دیدگی شدید سیستم نور و صوت) روبه‌رو شد. اما وقتی گروه خواست دوباره به اجرای کنسرت بپردازد، به گفته مدیر اجرایی این گروه با تقاضای یکی از کاندیداها، که خود ریاست سازمان تربیت بدنی را برعهده داشت، روبه‌رو شد که از گروه می‌خواست در این کنسرت به نفع وی تبلیغات کنند. این تقاضا با مقاومت مدیر و نیز اعضای گروه آریان روبه‌رو و در نهایت اجرای کنسرت دچار توقف و سپس تعطیل شد.

■ علی رهبری و فراز و فروه یک آرزو

استغفای علی رهبری از رهبری ارکستر سمفونیک تهران و نامه اعتراض آمیزش به وزیر ارشاد از جمله رخداد‌های مهم موسیقی در سال ۸۴ بود. رهبری بهار ۸۴ و پس از ۳۰ سال به ایران آمد تا به عنوان رهبر میهمان، ارکستر سمفونیک تهران را هدایت کند. وی سه دهه قبل در اعتراض به استفاده بی‌اندازه از نوازندگان خارجی در ارکستر سمفونیک تهران از رهبری این ارکستر استعفا داد و به خارج از ایران رفت. رهبری این مدت توانست خود را در جایگاه یک رهبر ارکستر ممتاز به جهان موسیقی بشناساند. اجرای رهبری با ارکستر سمفونیک تهران، مدیران مرکز موسیقی وزارت ارشاد و شورای سیاست‌گذاری این مرکز را به این جمع بندی رساند که از وی بخوانند تا هدایت این ارکستر را بر عهده بگیرد. رهبری نیز برای آنکه نشان دهد این ارکستر قابلیت‌های فراوانی دارد، یک ماهی با اعضای آن تمرینات فشرده‌ای را سامان داد و در نهایت ارکستر در شهریروماه به اجرای سمفونی نهم بتهوون پرداخت که به اذعان اکثر اهل موسیقی در زمره پیچیده‌ترین قطعات موسیقی سمفونیک به شمار می‌رود. این اجرا تحسین اهالی موسیقی را به دنبال داشت، اما بازآوده نشدن برخی از خواسته‌های رهبر ارکستر سمفونیک تهران، از جمله نخریدن سازهای تازه و بی‌توجهی به بودجه مورد درخواست وی سبب شد تا علی رهبری ضمن نگاشت نامه‌ای سرگشاده به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تا سمت خود برنخواهد کرد و البته بلافاصله در جایگاه رهبری ارکستر سمفونیک کشور ترکیه دعوت به کار شود.

■ کنسرت‌های موسیقی سستی

کنسرت محمدرضا شجریان و هم‌نشینان (علیزاده، کلهر، همایون شجریان) بهترین رخداد صحنه‌ای موسیقی در سال ۸۴ به شمار می‌رفت. این کنسرت در حالی برگزار شد که بسیاری پیش‌بینی می‌کردند در آخرین لحظات از برگزاری کنسرت جلوگیری شود. اما کنسرت به‌رغم برخی ناهماهنگی‌ها در فروش بلیت، علاوه بر روزهای وعده داده شده، دو شب دیگر هم تمدید شد. شجریان گفته بود که قصد دارد پس از این کنسرت برنامه‌هایی در شهرستان‌ها نیز برگزار کند که این کار تاکنون عملی نشده است. برخلاف تهران کنسرت موسیقی در شهرستان‌ها، با مخالفت‌های فراوانی روبه‌رو می‌شود و برخی از مقام‌های دولتی و نیز روحانیون از نفوذ در بسیاری از شهرستان‌ها مخالف جدی اجرای کنسرت موسیقی به شمار می‌روند. هرچه قدر کنسرت‌های موسیقی در داخل کشور با بی‌تغیبی گروه‌های شناخته‌شده روبه‌رو بود (به دلیل مشکلات فراوان موجود بر سر راه اجرای کنسرت)، گروه‌های شناخته‌شده موسیقی سستی در خارج از ایران کنسرت‌های مختلفی برگزار کردند. در این میان اجرای چند گروه ایرانی در اروپا و آمریکا با اقبال شهرندگان این دو قاره و نیز کارشناسان موسیقی روبه‌رو شد. اجرای شهرام ناظری در بزرگ‌ترین سالن سائل آنجلس، اجرای گروه شجریان در اروپا و آمریکا، اجرای گروه یورناظری در موزه جهانی هلند و تاتار دولاویل پاریس، اجرای مشترک گروه دستان با ارکستر سمفونیک بی‌بی‌سی و نیز اجرای گروه کامکارها در کشورهای مختلف از جمله کنسرت‌های گروه‌های ایرانی در خارج از کشور به شمار می‌رفتند که سهمی جدی در معرفی موسیقی ایرانی و قابلیت‌های آن به موزیسین‌های جهانی بر عهده داشتند. امسال برای دومین بار یکی از آثار موسیقی سنتی (آلبوم فریاد، کار مشترک شجریان، علیزاده و کلهر) به مرحله پایانی جایزه گرمی راه یافت، اما به عنوان دو سال قبل از دریافت جایزه تصبیی نبرد. معرفی محمدرضا درویشی، آهنگساز موسیقی پژوه ایرانی، به یونسکو به عنوان چهره برتر موسیقی ایران از جمله خیره‌ای مهمی بود که شنیده شد، اگرچه هنوز خبری از رونق این موزسین در این برنامه رقابت‌گونه منتشر نشده است.

■ اجرای ضعیف جشنواره موسیقی فجر

برگزار نشدن دو جشنواره موسیقی نواحی ایران و جشنواره موسیقی جوان از دیگر رخداد‌های مهم سال ۸۴ بود. دفتر موسیقی وزارت ارشاد (تازم مرکز موسیقی) دلیل برگزار نشدن این دو جشنواره را نبود و کمبود بودجه عنوان کرد. اما به نظر می‌رسد با توجه به اینکه این دو جشنواره چندین سال است که در تقویم وزارت ارشاد قرار دارد و از رخداد‌های مهم و زیربنایی موسیقی کشور به شمار می‌روند، باید دلایل دیگری برای توقف این دو جشنواره جست‌وجو کرد. برگزاری ضعیف جشنواره موسیقی فجر نیز از دیگر رخداد‌های بود که در نهایت با افتخار درویش پذیرنیکان (مخشکونی موسیقی سیاست‌گذاری نتوانست جامعه موسیقی را نسبت به عملکرد ضعیف دست‌اندرکاران جشنواره موسیقی فجر قانع کند.

■ درگذشتگان سال ۸۴

سال گذشته جمعی از چهره‌های نامی موسیقی ایران درگذشتند که شاخص‌ترین آنها استاد علی تجریدی بوده است. فریدون ناصر (رهبر ارکستر سمفونیک تهران و مدیرعامل پیشین خانه موسیقی)، کامران داروغه، منصوره قسری، کرستین داوید، اسماعیل نواب‌صفا، منصور یاحقی، نیکرویان، حسین عمومی، نعمت‌الله آقاسی و مجتبی میرزادین نیز در این سال به دیار باقی شتافتند.

منبع : بی‌بی‌سی